

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین یوم وېر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ناھید "غزل" غنی زاده

ویرجینیا - ۶ دسمبر ۲۰۱۶

تنظیم و ویرایش: پورتال

قالب

آه!

چه هراس انگیز است زمانی، که ماهیان کوچک بی گناه را قالب بُرنده دندانهای نهنگی محکم می گیرد.

سروده

رودبار چشمانم برای شست و شوی وادی خون رفته است و ساقه خشک سروده های
حزینم در فصل تشنگی ثمر نم یدهد.

معراج ذهن

امشب به معراج ذهنم پرگشودم و ازان فاصله دور تمام دنیا را چون کُتله سرخ خون
درون تنور آتشین غفلت دیدم. آه به اعتماد کدام دستان پرحرارت عشق، دستان نیازمندم را
بسپارم؟

حس داغ طلب

دیشب جمعیتی را به خواب دیدم، زانو بر زمین سجود نهاده و به درگاه بی نیازی، نماز
می گزاردند. از چشمان شان خون می تراوید، از قلوب شان شراره های درد و از دستان
خالی شان حس داغ طلب. تمام شب در انتظار پاسخی بودم. گفتند خدا می آید، خدا بزرگ
است. انتظار، انتظار ... خدا آن قدر بزرگ بود، که در سرزمین کوچک ما گامهایش
برابری نکرد.

(ناھید "غزل" غنی زاده)